

جایگاه کلامی بزنی و منزلت وی در نزد امام رضا (ع) و امام جواد (ع)

نعمت‌الله صفری فروشانی

محمدتقی ذاکری

چکیده

بحث درباره اصحاب امامان و به تبع آن درباره بزنی، در دوره‌های اخیر، توجه تاریخ‌نگاران خصوصاً در عرصه تاریخ اندیشه را به خود جلب کرده است. با وجود این، جایگاه کلامی بزنی و منزلت وی نزد امام جواد (ع) زوایای مختلفی دارد که قابل بررسی است. پژوهش‌های جدید در مورد بزنی، عمدتاً او را به عنوان صحابی امام رضا (ع) بررسی کرده‌اند و در مورد ارتباط او با امام جواد (ع) مباحث چندانی صورت نگرفته است. گذشته از این که جایگاه کلامی او به صورت شایسته مطالعه نشده است. از این رو، این سؤال هم چنان مطرح است که جایگاه و نقش کلامی بزنی به عنوان صحابی امام جواد (ع) چگونه بوده است؟ به نظر می‌رسد هر چند فاصله جغرافیایی، ارتباط بزنی با امام جواد (ع) را محدود ساخته بود، وی هم چنان همان جایگاه و نقش مهم خود را که به عنوان محدث متکلم در زمان امام رضا (ع) داشته، در زمان امام جواد (ع) نیز حفظ کرده است. غرض از این تحقیق، روشن ساختن زوایای ارتباط بزنی با امام جواد (ع) است. توجه به روایات برجای مانده از او در منابع و بستر صدور روایات و پرسش‌های وی در مسائل مختلف، علاوه بر این که اندیشه‌ها و مشغولیت‌های ذهنی او را در مباحث کلامی آشکار می‌سازد، اموری دیگر چون جایگاه علمی و تخصصی او در کلام، روش وی در مباحث کلامی و جایگاه و منزلتش نزد امام رضا (ع) و امام جواد (ع) را نمایان خواهد ساخت. دست‌آورد جدید پژوهش حاضر، این است که بزنی در شمار صحابیان با منزلت امام جواد (ع) بود.

واژگان کلیدی: بزنی، امام رضا (ع)، امام جواد (ع)، جایگاه کلامی، محدث متکلم.

ص: ۱۲۳

مقدمه

ابوجعفر یا ابوعلی، ۱ احمد بن محمد بن عمرو بن ابی نصر بزنطی در گذشته به سال ۲۲۱ قمری است. ۲ منابع رجالی، وی را از اصحاب سه امام بزرگوار، امام کاظم، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) به شمار آورده‌اند. ۳ در این بین ارتباط بزنطی با امام رضا (ع) بیش از دو امام دیگر جلوه‌گر شده و اکثر روایات وی از آن امام است؛ در حالی که بزنطی در اوایل امامت امام رضا (ع) (۲۰۳-۱۸۳ ق) در سنین جوانی به سر می‌برد. ۴ از این رو، می‌توان برداشت کرد که وی در عهد امام کاظم (ع) به دلیل کمی سن هنوز جایگاهی در بین اصحاب امامان نیافته و لذا نقش علمی پررنگی نیز ندارد. اما این جریان با توجه به این‌که بزنطی در عهد امام رضا (ع) موقعیت بسیار والایی در بین اصحاب آن حضرت یافت، ۵ در مورد زندگی علمی او در عهد امام جواد (ع) صادق نخواهد بود. گفتنی است در منابع رجالی و فهرست‌نگاری متقدم شیعی، هر چند نجاشی ۶ (م ۴۵۰ ق) و طوسی (م ۴۶۰ ق) در رجال ۷ به این نکته اشاره کرده‌اند، که بزنطی از اصحاب امام جواد (ع) بوده، طوسی وی را از اصحاب نزدیک امام رضا (ع) می‌داند. ۸ همچنین برقی (م ۲۷۴ ق) وی را جزء اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) آورده است. ۹ از طرفی نیز تعداد روایات وی از امام جواد (ع) نسبت به مجموع روایات وی از ائمه (علیهم السلام) بسیار اندک است. لذا پژوهش حاضر، درصدد است ضمن شناساندن بزنطی و جایگاه تخصصی وی در حوزه کلام، به بررسی جایگاه

ص: ۱۲۴

او در بین اصحاب امام رضا (ع) بپردازد و بعد از آن ارزیابی کند که این جایگاه علمی در عصر امام جواد (ع) به چه شکلی بوده و با کاسته شدن ارتباط وی با امام جواد (ع)، نقش علمی وی در ارتباط با آن حضرت چگونه بوده است. لذا این تحقیق، درصدد است به این سؤالات پاسخ دهد:

۱. بزنطی کیست؟

-
۱. طوسی، فهرست، ص ۵۰.
 ۲. همان، ص ۵۱؛ نجاشی، رجال، ص ۷۵.
 ۳. طوسی، رجال، ص ۳۳۲، ۳۵۱ و ۳۷۳؛ نجاشی، پیشین، ص ۷۵.
 ۴. نک: طوسی، الغیبه، ص ۱۶۲ در این گزارش بزنطی در اوایل امامت امام رضا (ع) صبی خطاب شده است.
 ۵. موقعیت بزنطی در دوره امامت امام رضا (ع) از کثرت روایات وی از آن حضرت و نیز کثرت شاگردان روایی وی و امور دیگری به دست می‌آید که در بحث از ارتباط بزنطی با امام رضا (ع) به آن پرداخته شده است.
 ۶. نجاشی، پیشین، ص ۷۵.
 ۷. طوسی، رجال، ص ۳۳۲، ۳۵۱ و ۳۷۳.
 ۸. طوسی، فهرست، ص ۵۰.
 ۹. برقی، طبقات، ص ۵۴.

۲. زندگی علمی وی چگونه بوده است؟

۳. جایگاه وی در حوزه تخصصی کلام چیست؟

۴. ارتباط وی با امام رضا (ع) چگونه بوده است؟

۵. ارتباط وی با امام جواد (ع) به چه میزان و به چه شکلی بوده است؟

پیشینه تحقیق

تاکنون در مورد بزنطی، غیر از مباحثی که در منابع رجال مطرح شده، تحقیق گسترده‌ای صورت نگرفته است. با این وصف، در میان پژوهش‌های موجود به زبان عربی و فارسی، می‌توان از مقاله مفصلی که با عنوان مدخل دایره المعارف بزرگ اسلامی (نوشته احمد پاکتچی)^{۱۰} نوشته شده، به عنوان بهترین تحقیق در مورد بزنطی یاد کرد. با وجود این، در مقاله مذکور، نسبت به جایگاه تخصصی بزنطی در کلام و نیز جایگاه او نزد امام جواد (ع) مطلبی نیامده و جز آن تحقیقی که به بزنطی اختصاص یافته، می‌توان از مقاله مختصری نام برد که به عنوان مدخل دانشنامه جهان اسلام توسط محمود مهدوی دامغانی^{۱۱} نوشته شده است. البته در برخی از پژوهش‌های موجود، بحث از بزنطی به عنوان مبحثی فرعی و متناسب با بحث‌های دیگر مطالعه شده که از میان آن‌ها می‌توان مواردی را نام برد؛ از جمله «گرایش‌های فقه امامیه در سده دوم و سوم هجری قمری» نوشته

ص: ۱۲۵

احمد پاکتچی،^{۱۲} «نخستین مناسبات فکری تشیع» سید محمدهادی گرامی،^{۱۳} «مدرسه کلامی کوفه» اکبر اقوام کرباسی^{۱۴} و «مدرسه کلامی قم» سیدحسن طالقانی.^{۱۵}

زیست‌نامه بزنطی

^{۱۰} ج ۱۲، ص ۹۶.

^{۱۱} ج ۱، ص ۱۲۹۲.

^{۱۲} نامه فرهنگستان علوم، ش ۴ ص ۲۸-۱۱.

^{۱۳} ص ۹۲.

^{۱۴} نقد و نظرش ۶۵ ص ۶۵-۳۸.

^{۱۵} همان، ص ۹۰-۶۶.

بزنی و خاندانش در منابع رجالی و حدیثی شیعی، به نام جد بزرگشان ابی نصر معروف هستند. ابی نصر زید نام داشت و در کوفه ساکن بود. وی دارای پیوند ولاء سکونی بود. ۱۶ پسر وی عمرو نیز دارای همین پیوند ولاء ذکر شده است. طبق عبارت نجاشی (م ۴۵۰ ق)، عمرو ابتدا دارای پیوند ولاء سکونی بود سپس از موالی زید (یا یزید) بن فرات شرعی ۱۷ گردید. ۱۸ به هر ترتیب از ابی نصر چند فرزند باقی ماند که جزء محدثان شیعه بودند. احمد بن محمد (شخصیت مورد تحقیق) به همراه عموزاده هایش که به آل مهران معروف گشتند، از نسل اویند. گفتنی است در زمان حیات بزنی، از این خاندان محدثان مشهوری در کوفه در بین امامیه حضور داشتند که باید از موقعیت اجتماعی مناسبی نیز برخوردار بوده باشند؛ چنان که نجاشی با عبارت «هم اهل بیت» به آن اشاره کرده است. ۱۹ در منابع رجالی تقریباً برای تمام فرزندان ابی نصر پیوند ولاء سکونی شان ذکر شده است. ۲۰ اما در این میان، جالب توجه است که از بین تمام این افراد، تنها احمد بن محمد به بزنی معروف گردیده است. البته طوسی در رجال، از شخصی

ص: ۱۲۶

به نام قاسم بن حسن بزنی از اصحاب امام جواد (ع) و از نزدیکان ایوب بن نوح، وکیل امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) ۲۱ نام می برد ۲۲ که معلوم نیست از همین خاندان باشد. به هر ترتیب سکون که چندین تن از این طایفه را در بین اصحاب امامان (از جمله اسماعیل بن ابی زیاد سکونی شعیری از اصحاب امام صادق (ع) ۲۳ در دوره مورد نظر می شناسیم، باید طایفه ای از شاخه های بزرگ قبیله کنده یمن ۲۴ باشند که در کوفه ساکن بودند. اما این که از چه رو این خاندان چنین پیوند ولایی داشته اند، دانسته نیست. شاید عبارت «بزنی» در این بین راه گشا باشد. به تصریح ابن ادریس حلی (م ۵۹۸ ق)، بزنی منسوب به نام جایی و نام نوعی پارچه نیز هست ۲۵ و ظاهراً معرب «بیزانسی» باشد. ۲۶ از همین رو، گفته شده: «نام یکی از مستعمرات یونانی بوده است که توسط قسطنطین کبیر در سده هفتم قبل از میلاد تجدید

^{۱۶} . نجاشی، پیشین، ص ۲۶ و ۷۵.

^{۱۷} . منسوب إلى شرعب بن قیس بن معاویة بن جشم بن عبد شمس بن وائل. (ابن داوود، الرجال، ص ۲۵۷).

^{۱۸} . همان، ص ۲۹۰.

^{۱۹} . نجاشی، پیشین، ص ۲۹۰.

^{۲۰} نک: همان، ص ۲۶، ۵۶، ۷۵، ۹۹، ۲۹۰ و ۴۲۳.

^{۲۱} . همان، ص ۱۰۲.

^{۲۲} . طوسی، رجال، ص ۳۷۷.

^{۲۳} . همان، ص ۱۶۰.

^{۲۴} . نک: ابن حزم، جمهره انساب العرب، ص ۴۲۹-۴۳۰.

^{۲۵} . السرائر، ج ۳، ص ۵۵۳.

^{۲۶} . آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۲۴ ص ۳۲۲.

بنا شده و پایتخت امپراتور روم شرقی (دولت بیزانس) قرار گرفت و به همین مناسبت بعداً نام قسطنطنیه بر آن گذارده شد. از این رو، بعید نیست خود یا پدران بزنطی در جنگ‌های بین مسلمین و روم شرقی، اسیر و به دیار اسلامی منتقل شده باشند.^{۲۷} با این حال، با توجه به این‌که تنها احمد بن محمد به بزنطی معروف گشته، احتمال این وجود دارد که لقب بزنطی به معنای نوعی پارچه دانسته شود و این لقب به نحوی بیان‌گر شغل و پیشه وی بوده باشد. قابل توجه این‌که وی بنابر روایتی، از امام رضا (ع) چهار سال جوان‌تر بوده است.^{۲۸} بنابراین، طول عمر او بین ۶۹ تا ۷۳ سال بوده است. وی در دوره امامت امام کاظم (ع) در کوفه به استماع حدیث از مشایخ روایی خود مشغول

ص: ۱۲۷

بوده است. اما این‌که از امام کاظم (ع) روایتی نقل کرده باشد، محل مناقشه است. در منابع موجود یک روایت وجود دارد که بزنطی آن را از امام کاظم (ع) نقل کرده است.^{۲۹} روایت مذکور این‌گونه آغاز می‌شود که بزنطی گوید: «از امام کاظم (ع) سؤال شد ...». جالب توجه این‌که شبیه به همین روایت از بزنطی با همین الفاظ، از امام رضا (ع) نقل شده است.^{۳۰} در آن روایت چنین است که همان روایت نخستین را بزنطی از امام رضا (ع) شنیده و آن حضرت برای بزنطی حکایت فرموده که: «از ابوبراهیم (امام کاظم (ع) سؤال شد ...». بنابراین، به نظر می‌رسد آن‌چه در منابع روایت بزنطی از امام کاظم (ع) تلقی شده، در واقع همان روایتی باشد که وی از امام رضا (ع) شنیده است. به هر ترتیب بزنطی با آغاز امامت امام رضا (ع) با آن حضرت ارتباط برقرار می‌کند و در واقع فصل جدیدی از زندگی علمی وی آغاز می‌شود. او در زمان‌های مختلف و در شهرهای مختلفی به دیدار امام رضا (ع) رفته. و همین مسأله در ارتقاء جایگاه علمی او بسیار مؤثر بوده است.

کشی (قرن چهارم) او را در شمار شش فقیه مهم از اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) نام برده و این شش تن طبقه سوم اصحاب اجماع^{۳۱} را تشکیل می‌دهند.^{۳۲} نیز به گفته طوسی (م ۴۶۰ ق) به دلیل آن‌که او و چند تن دیگر فقط از افراد ثقه، نقل روایت می‌کنند، روایات مرسل آن‌ها در حکم روایات مُسند است.^{۳۳} ابن‌ندیم (م ۴۳۸ ق) آثار او را چنین

^{۲۷}. کاظم مدیر شانه‌چی، چهل حدیث حضرت رضا (ع)، ص ۴۶.

^{۲۸}. راوندی، الخرائج و الجرائع، ج ۱، ص ۳۶۵.

^{۲۹}. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۳۶۴.

^{۳۰}. حر عاملی، وسائل الشیعه ج ۲۱، ص ۲۷۲.

^{۳۱}. برای مطالعه در مورد اصحاب اجماع نک: حسن انصاری، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۱۰۴-۱۰۵.

^{۳۲}. طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۵۶.

^{۳۳}. طوسی، العده فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۵۴.

شمرده است: «کتاب ما رواه عن الرضا (ع)؛ کتاب الجامع؛ کتاب المسائل».^{۳۴} طوسی در فهرست، دو کتاب نخست را نام برده ولی به جای کتاب المسائل کتاب دیگری به نام النوادر ذکر کرده است.^{۳۵} نجاشی

ص: ۱۲۸

(م ۴۵۰ ق) نیز علاوه بر کتاب الجامع، دو کتاب نوادر را از آثار او می‌داند.^{۳۶} در مورد کتاب‌های بزنطی این موضوع جالب است که برخی از این کتاب‌ها تا چند سده پس از درگذشت وی بین نویسندگان شیعه رواج داشته و به طور خاص می‌توان گفت: محقق حلی (م ۶۷۶ ق) برخی از کتاب‌های وی را در اختیار داشته و از آن بهره می‌برده است.^{۳۷} همچنین ابن ادریس حلی (م ۵۹۸ ق) قسمت‌های زیادی از کتاب الجامع^{۳۸} بزنطی و نیز یکی از کتاب‌های النوادر^{۳۹} وی را نقل و ضبط کرده است؛ همچنان‌که حمیری (قرن سوم) در قرب الاسناد نیز قسمت زیادی از یکی از کتاب‌های وی را در کتاب خود ضبط نموده است.^{۴۰} جالب توجه این‌که مشخص نیست آنچه حمیری نقل کرده به کدام یک از کتاب‌های بزنطی مربوط می‌شود اما با توجه به سبک آن‌که عمدتاً سؤال و جواب است، می‌توان احتمال داد به کتاب المسائل وی مربوط باشد. بزنطی روایات بسیاری در منابع حدیثی دارد. مرحوم خویی (م ۱۴۱۳ ق) مجموع روایات وی را بالغ بر ۷۸۸ مورد می‌داند.^{۴۱} در حالی که منابع دیگر، مجموع روایاتی را که وی با نام‌های مختلف در اسناد آن‌ها قرار گرفته است حدود ۱۰۵۰ مورد می‌دانند.^{۴۲} عمده این روایات در مسائل فقهی است و در رتبه‌های بعد روایات کلامی، تاریخی و اخلاقی قرار دارند.

بزنطی از مشایخ بسیاری بهره برده که منابع از آن‌ها یاد کرده‌اند.^{۴۳} گفته شده وی از ۱۱۵ تن از مشایخ روایی روایت شنیده است.^{۴۴} گفتنی است مشایخی که بزنطی از آن‌ها روایت شنیده، از تنوع بسیاری در گونه‌های روایات، افکار، آرا و

^{۳۴}. فهرست، ص ۲۷۶.

^{۳۵}. ص ۵۰.

^{۳۶}. ص ۷۵.

^{۳۷}. المعتمر، ج ۱، ص ۲۵۳.

^{۳۸}. السرائر، ج ۳، ص ۵۷۲ و ۵۸۱.

^{۳۹}. همان، ج ۳، ص ۵۵۳ و ۵۶۳.

^{۴۰}. قرب الاسناد، ص ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۷۲ و ۳۷۴ و ۳۸۹.

^{۴۱}. معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۲۳۶.

^{۴۲}. گروهی از محققان، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۳، ص ۹۷.

^{۴۳}. خویی، پیشین، ص ۲۳۶ و ۲۳۷؛ موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۳، ص ۹۵ و ۹۶.

^{۴۴}. موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۳، ص ۹۶.

مذهب برخوردارند. بر اساس مطالعه‌ای آماری که در مورد اسناد کتب اربعه حدیثی شیعه صورت گرفته، وی بیش‌ترین روایات را مستقیماً از امام رضا (ع) نقل کرده است.^{۴۵} در رتبه‌های بعدی به ترتیب مشایخی چون: ابان بن عثمان احمر (از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) و نویسنده کتاب‌هایی از جمله المبتدأ و المغازی)،^{۴۶} عبدالکریم بن عمرو الخنعمی (از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) و واقفی مذهب که در عین حال با عبارت ثقة ثقة ثبت مورد توثیق نجاشی است)،^{۴۷} حماد بن عثمان الناب (از اصحاب ثقة و جلیل‌القدر ۴۸ امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) و امام رضا (ع)،^{۴۹} جمیل بن دراج (از اصحاب صاحب تألیف امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) که در ایام امامت امام رضا (ع) از دنیا رفت،^{۵۰} و مثنی بن ولید الحنط (که از امام صادق (ع) روایت می‌کرده و کتابی داشته است)^{۵۱} قرار دارند. علاوه بر مشایخ مذکور، بین مشایخ بزنی افراد مهم دیگری نیز هستند که هرچند بر اساس تعداد روایات می‌توان گفت مصاحبت بزنی با ایشان کم‌تر از مشایخ مذکور است به جهت جایگاهشان قابل ذکر هستند. این افراد و تعداد روایاتی که بزنی از آن‌ها نقل کرده و در کتب اربعه حدیثی شیعه آمده (با احتساب موارد مشابه و تکراری) به این ترتیب است: علی بن ابی حمزه بطائی (واقفی معروف) نوزده روایت، صفوان بن مهران جمال هیجده روایت، عبدالله بن سنان هفده روایت، عبدالله بن بکیر بن اعین پانزده روایت، ابوبصیر چهار روایت، حنان بن سدید سه روایت، عبدالله بن مغیره بجلی سه روایت و هشام بن سالم دو روایت.^{۵۲} قابل ذکر این‌که

طوسی (م ۴۶۰ ق)، به روایتی استناد می‌کند که بزنی آن را از شافعی (محمد بن ادريس بن عباسم ۲۰۴ ق) نقل کرده است؛^{۵۳} چنان‌که محقق بحرانی (م ۱۱۸۶ ق) نیز روایتی دیگر را آورده که آن را بزنی از شافعی نقل می‌کند.^{۵۴} از

^{۴۵} . مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، نرم‌افزار درایه‌النور، نسخه ۲ / ۱ قسمت «اسناد».

^{۴۶} . نجاشی، پیشین، ص ۱۳.

^{۴۷} . همان، ص ۲۴۵.

^{۴۸} . طوسی، فهرست، ص ۱۵۶.

^{۴۹} . طوسی، رجال، ص ۱۸۶، ۳۳۴، ۳۵۴.

^{۵۰} . نجاشی، پیشین، ص ۱۲۶، ۱۲۷.

^{۵۱} . همان، ص ۴۱۴.

^{۵۲} . همان.

^{۵۳} . طوسی، التبیان، ج ۲، ص ۱۲۸.

^{۵۴} . بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۲۱، ص ۲۶۸.

همین روی، گاه از احمد بن محمد بن ابی نصر السکری (تصحیف السکونی) در منابع رجالی اهل سنت بحث شده است.^{۵۵}

قابل ذکر این که محدثان بسیاری نیز از وی روایت شنیده‌اند که منابع آن‌ها را یادآور شده‌اند.^{۵۶} مهم‌ترین آن‌ها که طبق کتب اربعه حدیثی شیعه بیش‌ترین روایت را از بزنطی نقل کرده‌اند از این قرارند: سهل بن زیاد آدمی، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، ابراهیم بن هاشم قمی، محمد بن حسین بن ابی الخطاب، احمد بن محمد بن خالد برقی، احمد بن هلال الکرخی العبرتایی.^{۵۷}

جایگاه تخصصی (کلام)

در مطالعات امروزی، از چند جریان بین اصحاب امامان سخن رانده می‌شود که روش‌های آن‌ها در اخذ و تبیین معارف دینی خصوصاً مباحث کلامی با یک‌دیگر متفاوت بوده و مطالعه در مورد این جریان‌ها، از مباحثی است که امروزه در بحث از اصحاب امامان و به ویژه در بحث از تاریخ اندیشه مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است.^{۵۸} نکته جالب توجه این‌که این جریان‌ها عمدتاً با نام افراد شاخصی شناخته می‌شوند که فکر و اندیشه‌ای را در مباحث مطرح می‌کرده و بقیه افراد بر اساس رویکردی که در مباحث اتخاذ می‌کردند،

ص: ۱۳۱

به نام افراد شاخص آن جریان شناخته می‌شوند.^{۵۹} هر یک از این جریان‌ها ویژگی‌هایی دارند که پرداختن به آن خارج از بحث این تحقیق است اما درباره بزنطی می‌توان گفت که ویژگی‌های وی در مباحث، خصوصاً مباحث کلامی از این قرار است:

وی در چندین زمینه اعتقادی و کلامی روایت دارد که بسیاری از آن‌ها به صورت پرسش و پاسخ از امام است.^{۶۰} این مسأله خود نشان از دغدغه‌های کلامی وی برای فهم و نشر معارف دارد. از طرفی نیز هرچند بزنطی در مقابله با واقفه

^{۵۵}. ابن حجر، لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۶۱ و ۳۱۸.

^{۵۶}. نک: خویی، پیشین، ج ۲، ص ۲۳۷ و ۲۳۸.

^{۵۷}. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، نرم‌افزار درایه‌النور، نسخه ۱/۲ قسمت «اسناد».

^{۵۸}. نک: گرامی سیدمحمدادی، نخستین مناسبات فکری تشیع، ص ۶۳ ۱۱۳؛ اکبر اقوام کرباسی، مدرسه کلامی کوفه، نقد و نظر، ش ۶۵، ص ۳۸ ۶۵؛

طالقانی سید حسن، مدرسه کلامی قم، نقد و نظر، ش ۶۵، ص ۶۶ ۹۰.

^{۵۹}. نک: گرامی، پیشین ص ۶۳ ۶۴.

^{۶۰}. در ادامه همین تحقیق، روایات کلامی بزنطی بررسی شده است.

(که اعتقاد به زنده بودن امام کاظم (ع) داشتند و در امامت آن حضرت وقف کرده، امامت امام رضا (ع) را نپذیرفتند) ۶۱ فعالیت می‌کرد، ۶۲ اهل جدل و مناظره نبود. همچنین گفتنی است بزنی در تبیین معارف دینی از چارچوب و ادبیات روایات فراتر نمی‌رفت و به ادبیات روایی پای‌بند بود. با توجه به این امور، وی را می‌بایست جدای از محدثان صرف دانست که تنها به نقل روایات اکتفا می‌کردند؛ زیرا وی روحیه پرسش‌گری در زمینه‌های مختلف کلامی و اعتقادی داشته و نیز وی را نمی‌توان از نوع متکلمان نظریه‌پرداز دانست که خارج از متون دینی نیز به تحلیل و تبیین معارف می‌پرداختند می‌توان گفت او از نوع محدثان متکلم است؛ ۶۳ یعنی محدثانی که در عین داشتن دغدغه‌های کلامی که از نوع سؤال‌های آن‌ها در زمینه‌های اعتقادی از امامان فهمیده می‌شود، به این ویژگی پای‌بند بودند که «در فرآیند تبیین‌گری، روی‌گردانی از چارچوب و ادبیات روایات را در تبیین معارف روا نمی‌دانستند و می‌کوشیدند در فرآیند تبیین‌گری، هم به متن و هم به نظام معارف اعتقادی پای‌بند باشند.» ۶۴

ص: ۱۳۲

در مجموع می‌توان گفت که در دسته‌بندی‌های جریان‌های کلامی اصحاب ائمه (علیهم السلام) بزنی را بایست به جریان موسوم به جریان هشام بن سالم متعلق دانست. ۶۵ تعلق بزنی به جریان هشام، گذشته از این‌که وی از مشایخ بزنی است، ۶۶ از گزارشی به دست می‌آید که علی بن ابراهیم (قرن سوم) از پدرش از بزنی نقل می‌کند. ۶۷ در این گزارش امام رضا (ع) از بزنی در مورد اختلاف وی و هم‌فکرانش با اصحاب هشام بن حکم سؤال می‌کند و توضیح بزنی در آن زمینه، تعلق وی به جریان هشام بن سالم را نمایان می‌سازد. ۶۸ این جریان را می‌توان این‌گونه شناخت که در منابع، تفکراتی چند به هشام بن سالم اختصاص یافته است. به این صورت که وی در آن امور، اولین شخصی بوده که چنان اعتقادی را مطرح ساخته است. از اعتقادات او می‌توان قول به صورت داشتن برای خدا را نام برد. در این‌که مراد وی از

۶۱. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۸۱. برای مطالعه در مورد واقعه نک: ریاض محمد حبیب الناصری، الواقفیه دراسة تحليلیه.

۶۲. طوسی، الغیبه، ص ۶۲.

۶۳. برای شناخت انواع نام برده نک: اقوام کرباسی، پیشین.

۶۴. همان، ص ۵۴.

۶۵. برای تعلق وی به جریان هشام بن سالم نک: گرامی، پیشین، ص ۹۲؛ اقوام کرباسی، پیشین، ص ۵۰.

۶۶. برای روایت بزنی از هشام بن سالم نک: علی بن ابراهیم قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۳۴۶؛ صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۱۱؛ کلینی، پیشین، ج ۸، ص ۲۷۶.

۶۷. علی بن ابراهیم قمی، پیشین، ج ۱، ص ۲۰.

۶۸. برای مطالعه در این زمینه نک: گرامی، پیشین، ص ۸۱، ۸۲.

قول به تشبیه یا صورت داشتن برای خداوند چه بوده، مباحثی بین پژوهش‌گران مطرح است.^{۶۹} اما باید توجه داشت که آیات و روایات مربوط به معراج پیامبر اکرم (ص)، باعث می‌شده وی به صورت داشتن برای خدا قایل باشد؛ زیرا بر اساس آن‌ها پیامبر (ص) خداوند را رؤیت کرده‌اند.^{۷۰} از این رو هرکدام از اصحاب امامان (علیهم السلام) که تفکراتی مانند هشام بن سالم داشته‌اند، جزء جریان وی از آن‌ها یاد می‌شود؛ زیرا این افراد با اختیار کردن اندیشه‌ای مانند آن‌چه هشام بن سالم بیان می‌داشته و نقل روایت از وی و روی‌گردانی از صاحبان اندیشه‌های دیگر و روایت نقل نکردن از آن‌ها، تعلق خاطر خود را به جریان او به ثبت رسانده‌اند. از همین روی، بزنتی را می‌توان جزء جریان هشام بن سالم دانست؛ زیرا اولاً طبق روایات موجود، او نیز به همراه

ص: ۱۳۳

هم‌فکرانش که قائل به صورت داشتن برای خداوند بودند، اساس سخن خود را در این مورد، روایاتی می‌دانستند که طبق آن پیامبر اکرم (ص) در معراج، خود خدا را در صورت جوانی مشاهده کرده است.^{۷۱} از موارد دیگری که تعلق بزنتی به جریان هشام را می‌رساند، این است که وی از هشام بن سالم روایت نقل می‌کند؛^{۷۲} اما از جریان مقابل یعنی جریان هشام بن حکم روی‌گردان است. البته باید توجه داشت که بزنتی از این جهت که برخی تفکرات هشام بن سالم را پذیرفته بود و از جریان هشام بن حکم روی‌گردان بود، جزء جریان هشام بن سالم دانسته می‌شود، اما از این جهت که روش او در مباحث کلامی متن‌محوری است، تفاوت‌هایی بین او و هشام بن سالم در روش وجود دارد. به این صورت که هشام بن سالم گاه اندیشه‌هایی داشته که مستقل از آموزه‌های اهل‌بیت (علیهم السلام) به آن‌ها می‌پرداخته^{۷۳} و اصطلاحاً نظریه‌پرداز بوده است؛ اما بزنتی به نصوص از امامان تکیه داشت. از همین روی، چنان که در بررسی روایات کلامی بزنتی به آن پرداخته شده، پس از آن‌که عقیده وی به صورت داشتن خداوند، توسط امام رضا (ع) نقد و نهی شد،^{۷۴} از آن دست کشید؛ به این معنا که روایاتی از او نقل شده که طبق آن‌ها، خداوند با چشم‌ها دیده نمی‌شود و قلب‌ها او را درک می‌کنند.^{۷۵} و یا این‌که رسول خدا (ص) در معراج نور عظمت الهی را مشاهده فرمود.^{۷۶}

^{۶۹}. نک: مهدی کریمی، شخصیت و اندیشه‌های کلامی هشام بن سالم جوالیقی، ص ۸۰ و ۹۲.

^{۷۰}. علی بن ابراهیم قمی، پیشین، ج ۱، ص ۲۰.

^{۷۱}. همان.

^{۷۲}. همان، ج ۲، ص ۳۴۶؛ کلینی، پیشین، ج ۴، ص ۶۹.

^{۷۳}. سیداحسان موسوی خلخالی، جریان شناسی کلامی امامیه در عصر امام صادق (ع)، ص ۱۱۳.

^{۷۴}. علی بن ابراهیم قمی، پیشین، ج ۱، ص ۲۰.

^{۷۵}. همان، ص ۹۸.

در مورد روی گردانی بزنی از جریان هشام بن حکم، گفتنی است وی در روایتی که از امام رضا (ع) نقل کرده هشام بن حکم توسط آن حضرت نکوهش شده است. ۷۷ هم چنین در روایتی که به کتاب الجامع بزنی تعلق دارد، یونس بن

ص: ۱۳۴

عبدالرحمان که از افراد مهم جریان هشام بن حکم است، ۷۸ توسط امام کاظم (ع) شدیداً مذمت شده است. ۷۹ علاوه بر این، بزنی از هیچ یک از مشایخی چون علی بن منصور، ۸۰ ابومالک حضرمی ۸۱ و محمد بن خلیل سکاکی ۸۲ که به جریان هشام بن حکم تعلق داشتند، ۸۳ روایتی نقل نکرده است. مجموع این امور، از روی گردانی بزنی از جریان هشام بن حکم حکایت می کند. با این اوصاف، جایگاه علمی بزنی به گونه ای بوده که برخی از شخصیت های مهم جریان های رقیب از جمله محمد بن عیسی بن عبید و ابراهیم بن هاشم که تعلق آن ها به جریان هشام بن حکم دانسته است و این دو در دفاع از هشام بن حکم و رد مخالفان آن ها بسیار کوشیده و در دفاع از وی کتاب نوشته و روایاتی نقل کرده اند، ۸۴ جزء شاگردان روایی بزنی محسوب می شوند. محمد بن عیسی گوید که در سال ۲۱۰ قمری از بزنی روایت شنیده، ۸۵ هم چنان که در منابع حدیثی، روایت ابراهیم بن هاشم از بزنی نقل شده است. ۸۶

جالب توجه این که بزنی از هشام بن سالم و به نقل از امام صادق (ع) روایتی در تأیید یونس بن ظبیان نقل می کند. ۸۷ وی از بزرگان گروهی است که به جریان متهم به غلو معروف هستند. ۸۸ او از جانب شخصیت هایی که به جریان های دیگر تعلق دارند، بسیار نکوهش شده است. در روایتی که محمد بن عیسی بن

ص: ۱۳۵

^{۷۶}. همان.

^{۷۷}. حسن بن سلیمان حلی، مختصر البصائر، ص ۲۹۵.

^{۷۸}. نک: گرامی، پیشین، ص ۷۵ و ۸۰.

^{۷۹}. ابن ادریس، السرائر، ج ۳، ص ۵۸۰.

^{۸۰}. نجاشی وی را از اصحاب هشام معرفی می کند. رجال، ص ۲۵۰.

^{۸۱}. نجاشی وی را متکلمی معرفی می کند که امام صادق (ع) را درک کرده است. (همان، ص ۲۰۵).

^{۸۲}. نجاشی او را شاگرد هشام بن حکم معرفی می کند و برای او کتابی به نام الامامه نام می برد. (همان، ص ۳۲۸ ۳۲۹).

^{۸۳}. برای مطالعه نک: اقوام کرباسی، پیشین، ص ۵۲.

^{۸۴}. نک: گرامی، پیشین، ص ۷۲ ۸۱.

^{۸۵}. نجاشی، پیشین، ص ۷۵.

^{۸۶}. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر، ج ۱ ص ۲۰.

^{۸۷}. ابن ادریس، پیشین، ج ۳، ص ۵۷۸.

^{۸۸}. گرامی، پیشین، ص ۹۵.

عبید از یونس بن عبدالرحمان نقل کرده، یونس بن ظبیان کراماتی برای خود قایل بوده که وقتی امام رضا (ع) از آن اطلاع یافتند، یونس بن ظبیان را شدیداً لعن کردند.^{۸۹}

روایات کلامی

بزنطی به مباحث کلامی نیز پرداخته است. او از محدث متکلمانی به شمار می‌آید که در مباحث کلامی روش نقل محور داشته‌اند، لذا می‌توان گفت نقل روایات توسط وی می‌تواند بیان‌گر تفکرات او در آن مورد باشد. به ویژه نقل بعضی روایات خاص در یک زمینه و روی‌گردانی از نقل روایات دیگر، به جهت‌گیری فکری او رهنمون می‌سازد. بر این اساس، در این قسمت سعی شده ضمن دسته‌بندی روایات بزنطی در عناوین خاص، به مباحث کلی بپردازیم که وی در آن امور از امام پرسش‌گری داشته سپس روایات مناسب با آن موضوع نیز بررسی می‌گردد. لذا از روایات پراکنده‌ای که وی در مباحث مختلف نقل کرده، صرف‌نظر شده است. با توجه به این مقدمه، می‌توان گفت بزنطی در چند موضوع کلامی روایات زیادی دارد که وی آن‌ها را از امام پرسیده است. این مباحث با عناوین ذیل بررسی می‌شود.

۱. توحید

بر اساس روایات، یکی از مشغولیت‌های ذهنی بزنطی پرسش‌هایی در مورد خدا بود و به طور خاص می‌توان از کون و مکان نداشتن خدا و باطل بودن ادعای رؤیت خداوند و جسم و صورت نداشتن او سخن گفت. روایت کون و مکان نداشتن خدا، به پرسش شخص غیرمسلمانی از امام رضا (ع) مربوط می‌شود مبنی بر این‌که خدا از چه زمانی موجود شده و چگونه این امر واقع گردیده و قوام او بر چه بوده است؟ به گفته بزنطی از امام رضا (ع) فرمودند که خداوند خود مکان و چگونگی را به وجود آورده و بنابراین زمان و کیف از مخلوقات خدا

ص: ۱۳۶

هستند و خداوند مجرد از آن‌هاست و نیز قوام خداوند بر قدرت خودش بوده و نیرویی وی را به وجود نیاورده است.^{۹۰} در مورد جسم و صورت نداشتن خداوند و باطل بودن دعوی امکان رؤیت او پی بردن به افکار بزنطی قدری مشکل می‌نماید؛ زیرا فهم افکار وی در این زمینه، به فهم آرای هشامین در مورد جسم و صورت نداشتن خداوند پیوند می‌خورد. البته روشن است این دو در مبحث موردنظر، اختلاف‌نظرهایی داشته‌اند که پرداختن به آن خارج از محدوده این

^{۸۹}. طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۳۶۳.

^{۹۰}. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۸۸.

تحقیق است. ۹۱ با وجود این، می‌توان مطالبی در مورد افکار بنظی بیان داشت. در یکی از روایات موردنظر در این مورد، امام رضا (ع) از بنظی در مورد اختلاف نظر وی و هم‌فکرانش با اصحاب هشام بن حکم در مورد توحید سؤال کردند. این پرسش امام، خود بیان‌گر مشغولیت ذهنی بنظی به این مسائل است لذا سزاوار پردازش است.

در روایتی که هم خود بنظی آن را نقل کرده ۹۲ و هم ابراهیم بن هاشم از جریان هشام بن حکم، ۹۳ بنظی بر اساس حدیثی که عنوان می‌داشت رسول خدا (ص) در شب معراج، خدا را در صورت جوانی مشاهده کرده، به صورت داشتن برای خدا قائل است. قابل توجه این‌که این قول بنظی از جانب امام رضا (ع) تشبیه عنوان گردیده و وی از چنین اقوالی نهی شده است. اما روایات دیگری از بنظی در این مورد در دست است که با سخن فوق تعارض دارد و شاید بتوان گفت که بنظی پس از نقد قول وی توسط امام رضا (ع) از آن دست کشیده است. او در روایتی، قول به جسم داشتن خداوند را که در روایت عنوان شده که هشام بن حکم به آن قائل است، نهی شده از جانب امام کاظم (ع) می‌داند و

ص: ۱۳۷

باور داشتن به جسم و صورت را بزرگ‌ترین ناسزا در مورد خدا عنوان می‌دارد. ۹۴ هم‌چنین در روایات دیگری از بنظی، دیدن خداوند توسط چشم‌ها انکار شده اما عنوان گردیده که قلب‌ها با حقایق ایمان، وی را درک می‌نمایند. ۹۵ نیز در مورد معراج، عنوان گردیده که پیامبر اکرم (ص) در آن شب از نور عظمت الهی هر چه را خواستند مشاهده کردند. ۹۶

۲. جبر و استطاعت

مسأله جبر و اختیار انسان در افعال، از مسائل پر چالشی بوده که در سده‌های نخستین، مباحث فراوانی را به خود اختصاص داده است. ۹۷ این‌که این مباحث، چه پیشینه‌ای تا زمان حیات بنظی داشته، موردنظر نیست، بلکه اهمیت

^{۹۱} . منبعی یافت نشد که به تفصیل به این اختلاف‌ها پرداخته باشد اما به صورت اجمال برای مطالعه در مورد این نزاع‌ها نک: سیداحسان موسوی خلخالی، جریان شناسی کلامی امامیه در عصر امام صادق (ع)، ص ۱۲۱ ۱۲۲، ۱۲۶ ۱۲۷؛ جعفر رحیمی، «تبیین استطاعت از منظر متکلمان امامیه تا قرن چهارم»، پژوهش‌های کلامی اعتقادی، شماره ۱۱، ص ۸۴ ۸۷.

^{۹۲} . حمیری، پیشین، ص ۳۵۷.

^{۹۳} . قمی، پیشین، ص ۲۰.

^{۹۴} . کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۵.

^{۹۵} . همان، ص ۹۸.

^{۹۶} . همان.

^{۹۷} . برای مطالعه در این خصوص نک: محسن جهانگیری، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۰، ص ۴۴۷۱.

موضوع این است که در دوره موردنظر، هم‌چنان این مباحث مطرح بوده و امامیه و اصحاب امامان هم به آن می‌پرداخته‌اند. هم‌چنین در اصطلاحات علمی آن دوره، از مبحثی با عنوان «استطاعت» یاد می‌شود که رابطه وثیقی با مسأله جبر و اختیار داشته و نتیجه‌ای که در مسأله استطاعت به دست می‌آمد، تأثیری مستقیم در جبر و اختیار داشته است.^{۹۸} جالب توجه این‌که متلکمان متقدم، در پی تعریف استطاعت نبوده‌اند و تعریفی از استطاعت در آثار متکلمان نخستین نداریم. اما متکلمان متأخر، بنا به تصورشان از استطاعت، تعاریفی آورده‌اند.^{۹۹} در مجموع می‌توان گفت: مراد از استطاعت، آن چیزی است که خدا در انسان قرار داده و انسان به سبب آن، افعال اختیاری خود را انجام می‌دهد. متفکران شیعه به مسأله استطاعت هم توجه داشتند. طبق گزارش اشعری (م ۳۳۰ ق) در مقالات الاسلامیین، بزرگانی از شیعه مانند: زراره، هشام بن حکم،

ص: ۱۳۸

هشام بن سالم، مؤمن الطاق، عبید بن زراره، محمد بن حکیم، عبدالله بن بکیر و حمید بن رباح، دارای اندیشه‌ای در مورد استطاعت بوده‌اند. اشعری با توجه به اختلاف‌هایی که داشتند، آن‌ها را به چهار گروه تقسیم کرده است.^{۱۰۰} هم‌چنین برخی از اندیشه‌وران شیعه مانند: زراره بن اعین، هشام بن حکم، محمد بن ابی عمیر، محمد بن خلیل معروف به سکاکی^{۱۰۱} و عبدالله بن جعفر حمیری، کتابی در موضوع استطاعت داشته‌اند.^{۱۰۲} مسأله قابل توجه دیگر این‌که در ادبیات روایی شیعه در دوره مذکور، از اصطلاح «قدریه» در مقابل جبریه نام برده شده که به اختیار انسان در افعال خود قائل بوده‌اند.^{۱۰۳}

توجه به این مقدمه مختصر، اهمیت پرسش‌گری بزنطی از امام رضا (ع) در امور مربوط به آنچه گذشت را روشن می‌سازد. اولین مطلب مورد پرسش بزنطی، از امام رضا (ع) را در مورد قول به جبر و استطاعت می‌توان دانست که بنابر روایت مذکور، بعضی از اصحاب به جبر قائل بودند و برخی به استطاعت. روایت وی چنین عنوان کرده که با مشیت و خواست الهی، انسان اراده و مشیت دارد و با قوت از جانب خداست که انسان فرایض الهی را انجام می‌دهد و با

^{۹۸}. برای مطالعه در این خصوص نک: جعفر رحیمی، «تبیین استطاعت از منظر متکلمان امامیه تا قرن چهارم»، پژوهش‌های کلامی اعتقادی، شماره ۱۱، ص

۸۱ و ۸۸.

^{۹۹}. نک: تهانوی، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، ص ۱۵۵؛ شریف، التعریفات، ص ۸.

^{۱۰۰}. ص ۴۲ و ۴۳.

^{۱۰۱}. طوسی، فهرست، ص ۳۸۹.

^{۱۰۲}. نجاشی، پیشین، ص ۱۷۵، ۴۳۳، ۳۲۷، ۲۲۰.

^{۱۰۳}. نک: حمیری، قرب الاسناد، ص ۳۵۹.

نعمت‌های الهی بر معصیت خداوند قدرت می‌یابد و انسان شنوا و بیناست. از این روی، «هرچه از خوبی‌ها به انسان می‌رسد، از جانب خداست و هر چه از بدی‌ها به وی می‌رسد، از جانب خود وی است».^{۱۰۴} البته بر اساس روایات بزنطی، خداوند هرگز به فحشا امر نمی‌کند و خیر و شر از جانب خدا نیست و هرکس چنین گمان‌هایی داشته باشد، بر خدا دروغ بسته است.^{۱۰۵} در روایت دیگری از وی، باور قدریه که با استناد به آیه (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوهُ مَا بَأْسُهُمْ)^{۱۰۶} قول به

ص: ۱۳۹

مختار بودن انسان در افعال خود را اختیار کرده بودند، توسط ادامه آیه نقد شده که تعطیل نبودن اراده خداوند در افعال انسان را عنوان می‌دارد: (وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ) و لذا قول قدریه درست نیست.

در مورد اندیشه بزنطی در بحث استطاعت، می‌توان به روایتی از وی استناد جست. از مباحث مطرح بین اصحاب امامان درباره استطاعت این بوده که آیا استطاعت قبل از فعل است (به این معنا که هر آنچه برای تحقق خارجی فعل لازم است، قبل از تحقق فعل برای فاعل محقق است) و یا مع الفعل (به این معنا که انسان قدرت انجام دادن فعل را دارد اما در انجام دادن افعال مستقل نیست).^{۱۰۷} شاید بتوان گفت بزنطی درباره این مسأله، سخن بینایی داشته است. به این صورت که وی روایت کرده: «بنده در هیچ حالتی، اعم از نشسته و یا در حال حرکت، نیست مگر این که استطاعت از جانب خدا همراه وی است».^{۱۰۸} و در ادامه آمده: «و وقوع تکلیف از جانب خداوند بعد از استطاعت است و بنده بر هیچ فعلی مکلف نمی‌شود مگر این که مستطیع باشد».^{۱۰۹}

۳. امامت

از مسائل مورد سؤال بزنطی در مورد مباحث امامت، مسأله رؤیا به معنای در خواب دیدن مانند خواب دیدن حضرت ابراهیم بر ذبح فرزندش است. از مجموع روایات وی در این زمینه چنین به دست می‌آید که ائمه (علیهم السلام) محدث

^{۱۰۴}. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۹.

^{۱۰۵}. احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۴.

^{۱۰۶}. در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. (سوره رعد، آیه ۱۱).

^{۱۰۷}. برای مطالعه در این زمینه نک: جعفر رحیمی، پیشین، ص ۷۹-۸۰.

^{۱۰۸}. «لَا يَكُونُ الْعَبْدُ قَاعِدًا وَلَا مُتَحَرِّكًا إِلَّا وَالِاسْتِطَاعَةُ مَعَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

^{۱۰۹}. «و إِنَّمَا وَقَعَ التَّكْلِيفُ مِنَ اللَّهِ بَعْدَ الْإِسْطِطَاعَةِ وَلَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُكَلَّفًا لِلْفِعْلِ إِلَّا مُسْتَطِيعًا» (ورام بن ابی فراس، تنبيه الخواطر و نزهه النواظر، ج ۲، ص

هستند و آن‌ها هر چند ملک را نمی‌بینند و در خواب نیز مشاهده نمی‌کنند، صوت و صدای او را می‌شنوند. ۱۱۰ البته در روایات بزنطی، از آن جهت که اسرار ائمه (علیهم السلام) توسط شیعیان فاش شده بود، توضیح بیشتری در این مورد ذکر نشده است. ۱۱۱ دیگر مسأله مورد سؤال وی در این باره به بحث «هدایت الهی» مربوط

ص: ۱۴۰

می‌شود. از نظر روایات بزنطی، مراد از این که خداوند می‌فرماید: «همانا هدایت بر ماست» ۱۱۲ این است که خدا هر کس را خواست هدایت می‌کند و هر کس را بخواهد بی‌راه می‌گذارد. این هدایت الهی، پیوند مستقیمی با معرفت نسبت به امامان (علیهم السلام) دارد و معرفت امامان به گونه‌ای نیست که هر کس خواست به آن راه یابد و از این رو که هدایت از جانب خداست، همه مردم نمی‌توانند از محبان اهل بیت (علیهم السلام) باشند. ۱۱۳ هم‌چنین بر اساس روایات بزنطی، میزان ثواب به میزان معرفت بستگی دارد. ۱۱۴ نیز اهمیت معرفت امامان، به اندازه‌ای است که اگر کسی بمیرد بدون این که امام زنده‌ای داشته باشد که او را بشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. کامل شدن ایمان بنده، به این است که بداند همه ائمه (علیهم السلام) در حجت و طاعت و حرام و حلال برابر هستند و حضرت محمد (ص) و امام علی (ع) فضیلت‌هایی افزون دارند. ۱۱۵

بحث دیگر در موضوع امامت که بزنطی به آن مشغولیت ذهنی داشته، بحث جانشین امام و علامات شناخت اوست. توجه به این که جانشینی امام، از مسائل بسیار مهم تاریخ تشیع است، اهمیت این روایات را روشن‌تر می‌سازد. شیعه در طول تاریخ خود، بسیار با این چالش روبه‌رو شده است که پس از درگذشت هر امام، پیروان او در مورد جانشینش دچار اختلاف شدند و فرقه‌های متعددی در تاریخ تشیع به وجود آمد که اختلاف بر سر جانشین امام یکی از عوامل مهم آن بوده است. ۱۱۶ جریان واقعه یکی از این موارد است که در دوره بزنطی رخ داد. آنان بر امامت امام کاظم (ع) باقی ماندند و امامت امام رضا (ع) را منکر شدند. ۱۱۷ این گونه مسائل، بزنطی را واداشت تا از امام رضا (ع) در این زمینه سؤال

^{۱۱۰}. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۱۷۶.

^{۱۱۱}. حمیری، پیشین، ص ۳۸۰؛ الکافی، ج ۲، ص ۲۲۴؛ مختصر البصائر، ص ۲۹۳ ۲۹۶.

^{۱۱۲}. سوره لیل، آیه ۱۲.

^{۱۱۳}. حمیری، پیشین، ص ۳۵۶.

^{۱۱۴}. همان، ص ۳۴۷.

^{۱۱۵}. همان، ص ۳۵۱.

^{۱۱۶}. نک: نوبختی، پیشین، ص ۶۷ ۱۱۲.

^{۱۱۷}. همان، ص ۱۸. برای مطالعه در مورد واقعه نک: الواقفیه دراسة تحليلية.

کند. بر اساس روایات وی، از علامات شناخت جانشین امام، مواردی است که دو مورد آن داشتن فضیلت و وصیت است. ۱۱۸ هم‌چنین در روایات بزنطی، مسأله چگونگی وصیت امام به جانشین خود نیز مطرح گردیده و چنین عنوان شده که امام هرگز از جانب خود کسی را جانشین خود قرار نمی‌دهد، بلکه این امر تنها به فرمان خداست. ۱۱۹

بزنطی روایات دیگری نیز در ابواب مختلف مربوط به امامان دارد از جمله روایاتی در علم امام و میزان آن، ۱۲۰ منابع علم آن‌ها، ۱۲۱ و بیان برخی از فضایل ائمه (علیهم السلام). ۱۲۲ هم‌چنین وی روایاتی به صورت پراکنده در برخی مسائل کلامی هم‌چون رجعت، ۱۲۳ سؤال از بهشت آدم، ۱۲۴ و غیره دارد.

ارتباط با امام رضا (ع)

اولین ارتباط بزنطی با امام رضا (ع) از نامه‌ای آغاز شد که وی برای رفع تردیدهایش در مورد امامت امام رضا (ع) به آن حضرت نوشت. هم‌چنین این نامه، سرآغازی شد برای ارتباط گسترده بزنطی با آن حضرت. داستان به این شکل است که معمولاً در منابع، از بزنطی به عنوان شخصی یاد می‌شود که ابتدا واقفی بود و پس از ارتباط با امام رضا (ع) و دیدن کراماتی از آن حضرت، از وقف دست کشید. ۱۲۵ تمام آن‌چه باعث شده که وی مدتی واقفی معرفی شود، به روایتی بازمی‌گردد که خود وی آن را نقل کرده است. ۱۲۶ اما دقت در روایت

^{۱۱۸} . ابن بابویه، الامامه و التبصره من الحیره، ص ۱۳۷؛ کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۴.

^{۱۱۹} . حمیری، پیشین، ص ۳۵۲.

^{۱۲۰} . صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۱۴.

^{۱۲۱} . همان، ص ۱۲۴، ۱۵۳، ۱۵۴، ۳۱۷.

^{۱۲۲} . کلینی، پیشین، ج ۱ ص ۱۴۵ و ۲۰۸ غ طوسی، الامالی، ص ۶۵۴.

^{۱۲۳} . حسن بن سلیمان، پیشین، ص ۱۰۸؛ حر عاملی، الايقاظ من ההجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۳۷۹.

^{۱۲۴} . کلینی، پیشین، ج ۳، ص ۲۴۷.

^{۱۲۵} . طوسی، الغیبه، ص ۱۷؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴ ص ۶۳۳؛ راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۲۶۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۴؛ حر

عاملی، اثبات الهداء، ج ۴، ص ۴۵۳.

^{۱۲۶} . طوسی، پیشین، ص ۷۱.

مذکور، واقفی بودن بزنطی را افاده نمی‌کند. اولین منبعی که روایت مذکور را در آن می‌توان یافت، کتاب قرب‌الاسناد حمیری (قرن سوم) است که بخش زیادی از کتاب (به احتمال فراوان) الجامع بزنطی در آن نقل شده است. ۱۲۷ در منبع مذکور و برخی منابع دیگر روایت موردنظر چنین آغاز می‌شود که بزنطی گوید:

در مورد [امامت] امام رضا (ع) شک داشتم لذا به امام رضا (ع) نوشتم: من مردی از اهل کوفه‌ام. من و اهل‌بیتم به اطاعت از شما متدین به دین خداوند هستیم. بسیار دوست دارم که شما را ملاقات کرده، و از شما در مورد دینم و آنچه این قوم علیه من در مورد شما احتجاج می‌کنند سؤال کنم. آن‌ها گمان می‌کنند که پدرتان زنده است و بی‌شک از دنیا نرفته است. ۱۲۸

این قسمت از محتوای نامه، آشکارا بیان‌گر تردید او در مورد امامت امام رضا (ع) است و روشن می‌کند که شک با انکار فاصله فراوانی دارد. از این رو، نمی‌توان وی را واقفی دانست. البته متن نامه در برخی منابع، به گونه‌ای دیگر آغاز می‌شود. برای مثال، قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ ق) در الخرائج آورده که بزنطی گوید: «من از واقفه بودم تا این‌که نامه‌ای به امام رضا (ع) نوشتم». ۱۲۹ اما بنابر منابع قدیم‌تر، این عبارت پذیرفتنی نیست. به هر ترتیب، لازم است به این موضوع توجه شود که تردید بزنطی در مورد امامت امام رضا (ع) را می‌توان تأثیر یافته از روایاتی دانست که واقفه به آن‌ها استناد می‌جستند. برخی از آن‌ها در نامه بزنطی آمده است. جالب‌توجه این‌که در میان مشایخ بزنطی، تتی چند از واقفه وجود داشته‌اند. عبدالکریم بن عمرو خثعمی معروف به کرام واقفی، از مهم‌ترین مشایخ بزنطی محسوب می‌شوند. در کتب اربعه حدیثی شیعه، وی پس از امام رضا (ع) و ابان بن عثمان احمر، بیش‌ترین روایت را از عبدالکریم نقل

ص: ۱۴۳

کرده؛ ۱۳۰ چنان‌که از علی بن ابی حمزه بطائنی نیز نوزده روایت نقل کرده است. ۱۳۱ هم‌چنین دیگر مشایخ واقفی بزنطی عبارتند از: داوود بن الحصین الاسدی، حنان بن سدیر، درست بن ابی منصور، ۱۳۲ حسن بن علی بن ابی حمزه و هاشم

۱۲۷. ص ۳۴۷ و ۳۷۲ و ۳۷۴ و ۳۸۹.

۱۲۸. ص ۳۴۸ و ۳۵۲.

۱۲۹. ج ۲، ص ۶۶۲.

۱۳۰. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، نرم افزار درایه النور، نسخه ۱/۲ قسمت «اسناد».

۱۳۱. همان.

۱۳۲. در خصوص واقفی بودن آن‌ها به ترتیب نک: طوسی، رجال، ص ۳۳۶، ۳۳۴ و ۳۳۶.

بن حیان. ۱۳۳ به علاوه، چنان‌که طوسی هم به این مسأله اشاره می‌کند، آل‌مهران که بزنتی از آن‌هاست (در واقع عموزاده آن‌هاست) واقفی بودند. ۱۳۴

امام رضا (ع) در پاسخ، تمام آن‌چه را بزنتی خواسته بود، بیان فرمودند. ۱۳۵ بزنتی پس از دریافت نامه و زایل شدن تردیدهایش، به دفاع از امامت امام رضا (ع) در کوفه پرداخت. اهتمام وی در این مسأله به قدری بوده که گاه پژوهش‌گران معاصر وی را موثرترین فرد در ترویج گرایش قطعی (یعنی کسانی که به درگذشت امام کاظم (ع) و امامت امام رضا (ع) پس از آن حضرت قطع داشتند ۱۳۶ دانسته‌اند. ۱۳۷ درستی این تعبیر از گزارش طوسی (م ۴۶۰ ق) در کتاب الغیبه روشن می‌شود. طوسی در کتاب خود، از کتابی به نام فی نصره الواقفه، نوشته شخصی واقفی به نام علی بقباقه، گزارش‌هایی را نقل کرده است. علی بقباقه گوید:

از صفوان بن یحیی وکیل امام رضا (ع) و امام جواد (ع) در کوفه ۱۳۸ و ابن‌جندب وکیل امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) ۱۳۹ و جماعتی از مشایخ که با آن‌ها در مورد امامت امام رضا (ع) مباحث جدی داشتیم در مورد این‌که چگونه بر امامت این مرد (امام رضا (ع)) قطع پیدا کردند، سؤال کردم و

ص: ۱۴۴

به آن‌ها گفتم: اگر بر شما چیزی آشکار شده، به من هم بگویید تا من هم بپذیرم. گفتند: «ما چیزی نمی‌دانیم و سخن خود امام رضا (ع) را پذیرفتیم». همه آن‌ها مرا (برای دریافت برهان) به بزنتی حواله دادند...» ۱۴۰

بزنتی پس از این نامه‌نگاری ارتباط خود را با امام رضا (ع) گسترش داد و به مناسبت‌های مختلف و عموماً در مدینه به خدمت امام می‌رسید. طبق روایات، وی در مکانی به نام «صریا» یکی از قریه‌های مدینه که امام کاظم (ع) آن را بنا نهاده بودند، ۱۴۱ با امام رضا (ع) دیدار داشته است. ۱۴۲ نیز بزنتی در روایتی گوید: «شبی در مسجد دارمعاویه با امام

۱۳۳. نک: نجاشی، پیشین، ص ۳۶ و ۳۸.

۱۳۴. الغیبه، ص ۷۱.

۱۳۵. حمیری، پیشین، ص ۳۴۸ و ۳۵۲.

۱۳۶. نوبختی، پیشین، ص ۷۹.

۱۳۷. احمد پاکتچی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، ص ۹۶.

۱۳۸. نجاشی، ص ۱۹۷.

۱۳۹. طوسی، الغیبه، ص ۳۴۸.

۱۴۰. طوسی، الغیبه، ص ۶۲.

۱۴۱. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۳۸۲.

رضا (ع) دیدار داشتیم». ۱۴۳ علاوه بر مدینه، بزنی از ملاقات خود با امام رضا (ع) در مکه ۱۴۴ و نیز قادیسیه (احتمالاً زمان هجرت به ایران در سال ۲۰۰ ق) خبر می‌دهد. ۱۴۵ در یکی از ملاقات‌هایی که با امام رضا (ع) داشته، آن حضرت از بزنی می‌خواهند شب را در خانه ایشان به سر برد و آن روز تا ساعت‌ها با امام رضا (ع) سخن گفته است. ۱۴۶ به هر حال حاصل این ارتباط کتابی شد که وی روایاتی را که از امام رضا (ع) شنیده، در آن جمع‌آوری کرده. ۱۴۷ که شاید روایات متعدد بزنی از آن حضرت که در منابع موجود است، پاره‌هایی از کتاب یاد شده باشد.

ص: ۱۴۵

ارتباط با امام جواد (ع)

اولین ارتباط بزنی با امام جواد (ع) به دوران امامت امام رضا (ع) و سنین کودکی امام جواد (ع) باز می‌گردد. این ارتباط‌ها احتمالاً در مدینه صورت گرفته؛ یعنی جایی که امام رضا (ع) پیش از هجرت به ایران در آن‌جا زندگی می‌کردند. در روایتی آمده که زمانی بزنی به ملاقات امام جواد (ع) می‌رفت که آن حضرت در سنین طفولیت به سر می‌بردند و امام رضا (ع) سعی در به سخن آوردن آن حضرت داشتند. ۱۴۸ در روایت دیگری، بزنی از حضور خود و چند تن از مشایخ نزد امام رضا (ع) در سه سالگی امام جواد (ع) خبر می‌دهد و گوید که از امام رضا (ع) در مورد جانشین ایشان سؤال کردم و آن حضرت به امام جواد (ع) رهنمون ساختند. در ادامه همین روایت، بزنی از این مسأله خبر می‌دهد که «بعدها، در امامت امام جواد (ع)، به آن حضرت درباره ملاقاتمان در کودکی با ایشان مطالبی را یادآور شدم». ۱۴۹ جالب‌توجه این‌که بعد از هجرت امام رضا (ع) به ایران، بزنی باز هم در مدینه خدمت امام جواد (ع) می‌رسیده است. وی

۱۴۲. حمیری، پیشین، ص ۳۷۷.

۱۴۳. همان ص ۳۴۷. احتمالاً مسجد مذکور باید همان مسجدی باشد که گفته می‌شود رسول خدا سومین نماز عید را در آن اقامه کردند. البته از این مسجد در منابع با نام «دار عبدالله بن دره المزنی» یاد می‌شود که داخل در دار معاویه و دار کثیر بن الصلت بوده است. (نک: عبدالله بن عبدالملک مرجانی، بهجه النفوس و الاسرار فی تاریخ دار هجره النبی المختار، ج ۱، ص ۵۸۰-۵۷۹).

۱۴۴. طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۸۳-۵۸۴.

۱۴۵. حمیری، پیشین، ص ۳۷۶.

۱۴۶. طوسی، پیشین، ص ۵۸۷-۵۸۸.

۱۴۷. طوسی، فهرست، ص ۵۰.

۱۴۸. حمیری، پیشین، ص ۳۷۸.

۱۴۹. منسوب به مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۶۳.

از نامه‌ای خبر می‌دهد که در آن زمان امام رضا (ع) به امام جواد (ع) نوشته بودند. او از محتوای نامه خبر می‌دهد که ظاهراً امام جواد (ع) در اختیار وی قرار داده بودند. ۱۵۰

ارتباط بزنتی با امام جواد (ع) در دوره امامت آن حضرت (۲۲۰-۲۰۳ ق) نیز ادامه یافت. به جهت این‌که بزنتی در کوفه می‌زیست، گاه ارتباط وی با امام جواد (ع) به صورت نامه‌نگاری با آن حضرت بود ۱۵۱ و گاه نیز با واسطه از ایشان روایت نقل می‌کرد ۱۵۲ اما خود وی نیز به ملاقات با آن حضرت می‌رفت. یکی از مهم‌ترین این ملاقات‌ها در حج سال ۲۱۰ قمری بود. وی گفته که در این سال

ص: ۱۴۶

به همراه امام جواد (ع) حج به جا آورده است. ۱۵۳ او چند سؤال از امام جواد (ع) درباره مسائلی از حج داشت که در برخی از آن‌ها تأکید شده که مربوط به حج همان سال است ۱۵۴ اما در برخی دیگر به زمان آن اشاره نمی‌کند. ۱۵۵ ارتباط بزنتی با امام جواد (ع) از روایات دیگری که مستقیماً از آن حضرت نقل کرده، دانسته می‌شود. این روایات در ابواب مختلفی است. در یکی از این روایات، بزنتی از امام جواد (ع) در مورد علت نام‌گذاری امام رضا (ع) به رضا و این‌که عده‌ای گمان می‌کنند مأمون ایشان را به این نام گذاشته سؤال می‌کند که امام جواد (ع) آن را انکار کرده، نام‌گذاری آن حضرت را از جانب خداوند می‌دانند. ۱۵۶ هم‌چنین وی در ابواب فقهی از امام جواد (ع) مستقیماً روایت نقل کرده است. ۱۵۷

اما آنچه در روایات بزنتی از امام جواد (ع) توجه ویژه‌ای می‌طلبد، روایتی است که بزنتی آن را به صورت مضمّر (و بدون اشاره به نام امامی که از وی سؤال کرده) نقل نموده است. روایت مذکور، سؤال از امام در مورد جانشین ایشان است و در آن بزنتی از امام می‌خواهد برای آن‌که شیعیان به مشکلاتی دچار نشوند که در آغاز امامت پدر ایشان به آن گرفتار شدند جانشین خود را معرفی نمایند. از این رو این روایت می‌تواند گویای دغدغه‌های اعتقادی وی باشد که در این

۱۵۰. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲ ص ۸.

۱۵۱. کلینی، پیشین، ج ۱ ص ۵۴۵.

۱۵۲. به واسطه (ابراهیم بن شبیه): طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵ ص ۴۲۶، به واسطه (رجل): کلینی، پیشین، ج ۸، ص ۲۰۵.

۱۵۳. کلینی، پیشین، ج ۴، ص ۲۹۲.

۱۵۴. همان.

۱۵۵. همان، ج ۴، ص ۲۹۱ و ۵۰۵؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۳۶.

۱۵۶. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۳.

۱۵۷. طوسی، پیشین، ج ۱۰، ص ۱۷۰.

تحقیق دارای اهمیت است. روایت مذکور را نخستین بار می‌توان در کتاب قرب‌الاسناد حمیری (قرن سوم) یافت. ۱۵۸
جالب توجه این‌که هرچند این روایت در منبع مذکور به صورت مضمّر نقل شده، منابع متأخر که این روایت را از همان
کتاب نقل کرده‌اند، آن را روایت بزنی از امام رضا (ع) تلقی نموده‌اند. ۱۵۹ ظاهراً آنچه باعث شده این روایت، روایتی از
امام رضا (ع) دانسته شود، علاوه بر این‌که

ص: ۱۴۷

چند روایت قبلی در قرب‌الاسناد روایت بزنی از امام رضا (ع) است، عبارتی در روایت است که این گمان را به وجود
می‌آورد. عبارت موردنظر که عبارت ابتدایی روایت هم هست این است که بزنی گوید: «در قادیسیه خدمت امام
رسیدم». روشن است که بزنی با امام رضا (ع) در قادیسیه ملاقات داشته است. ۱۶۰ با وجود این به نظر می‌رسد که
روایت مذکور را نمی‌توان روایت بزنی از امام رضا (ع) دانست، بلکه آن روایتی از امام جواد (ع) است. این مسأله به
دلیل اموری است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

۱. در این روایت بزنی گوید: به امام عرض کردم: «من این موضوع را از پدر شما در همین مکان (قادیسیه) سؤال کردم
و ایشان مرا به شما راهنمایی فرمود.» بزنی با امام رضا (ع) در قادیسیه دیدار داشته، اما روایت وی از امام کاظم (ع)
بسیار محدود بوده است.

۲. بزنی گوید: «چند سال پیش هم از شما در مورد جانشینتان سؤال کردم و فرمودید: فرزندم خواهد بود. اما اکنون
شما دو پسر دارید ... کدام یک جانشینتان خواهد بود؟» هر چند برخی منابع چند فرزند برای امام رضا (ع) نام
برده‌اند، ۱۶۱ آنچه غالباً مورد قبول و تأکید واقع شده، این است که امام رضا (ع) تنها یک پسر داشته‌اند. ۱۶۲ هم‌چنان‌که
از امام جواد (ع) نقل شده که ایشان تنها فرزند پدرشان بوده‌اند. ۱۶۳ از طرفی امام جواد (ع) دو پسر داشته‌اند که منابع بر
آن تأکید می‌کنند. ۱۶۴

۱۵۸. ص ۳۷۶.

۱۵۹. مجلسی، پیشین، ج ۲۳، ص ۶۷.

۱۶۰. طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۸۸.

۱۶۱. فخر الدین رازی، الشجره المبارکه، ص ۷۷؛ اربلی، کشف الغمه ج ۲، ص ۲۸۴.

۱۶۲. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۱؛ این شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۳۶۷.

۱۶۳. طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۵۹.

۱۶۴. مفید، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۵.

۳. این که وقتی امام به بزنی می‌فرماید: «الان وقت آن نیست»، وی گرفتاری‌های شیعیان در مورد پدر ایشان را یادآور می‌شود و این مسئله با آنچه در آغاز امامت امام رضا (ع) رخ داد و جمعی از محدثان شیعه واقفی شدند تناسب دارد.

ص: ۱۴۸

در این مورد که این سؤال را بزنی در قادیسیه از امام پرسیده، می‌توان چنین احتمال داد که امام جواد (ع) زمانی که به بغداد فرا خوانده شده‌اند (سال ۲۲۰ ق) ۱۶۵ از قادیسیه عبور کرده‌اند و بزنی چنان که در هجرت امام رضا (ع) به ایران در قادیسیه به استقبال آن حضرت رفت، ۱۶۶ در این زمان نیز به استقبال امام جواد (ع) رفته باشد؛ خصوصاً با توجه به این که قادیسیه در مسیر حجاج از بغداد قرار داشت. ۱۶۷ در نهایت به نظر می‌رسد روایت مذکور روایت بزنی از امام جواد (ع) است.

نتیجه

جایگاه ویژه‌ای که بزنی بین اصحاب امام رضا (ع) داشت، در زمان امام جواد (ع) هم حفظ نمود و در موقعیت‌های مختلف خدمت امام می‌رسید و همان دغدغه‌های کلامی را در زمان امام جواد (ع) دارا بود. اما درباره این که روایات وی از امام جواد (ع) نسبت به امام رضا (ع) بسیار محدود است، می‌توان چنین احتمال داد که شاید برخی از روایاتی که در منابع موجود روایت بزنی از امام رضا (ع) دانسته شده، در واقع روایت وی از امام جواد (ع) باشد به ویژه با توجه به این که روایات مضمّر در بین روایات بزنی کم نیست.

ص: ۱۴۹

منابع

قرآن کریم.

آقابزرگ تهرانی، (۱۴۰۳)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۴، بیروت، دارالاضواء.

ابن ادریس حلی، (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، قم: جامعه مدرسین حوزه.

^{۱۶۵} همان، ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۳۸۰.

^{۱۶۶} طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۸۸.

^{۱۶۷} ابن رسته احمد بن محمد، الاعلاق النفیسه، ص ۱۷۴ ۱۷۵.

ابن حجر عسقلانی، (۱۳۹۰ ق)، لسان‌المیزان، ج ۱، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

ابن حزم اندلسی، (۱۴۰۳)، جمهره انساب العرب، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن داوود حلی، حسن بن علی، (۱۳۴۲)، الرجال، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.

ابن رسته، احمد بن محمد، (۱۸۹۲)، الاعلاق النفیسه، چاپ اول، بیروت: دارصادر.

ابن شهر آشوب، (۱۳۷۹ ش)، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، چاپ اول، قم: علامه.

ابن ندیم البغدادی، (بی تا)، الفهرست، تجدد رضا، بی نا.

ابن بابویه قمی، (۱۴۰۴)، الامامه و التبصره من الحیره، چاپ اول، قم: مدرسه الامام المهدی (عج).

اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمه (علیهم السلام)، ج ۲، چاپ اول، سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی.

اقوام کرباسی، اکبر، (۱۳۹۱)، «مدرسه کلامی کوفه»، فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الاهیات (نقد و نظر)، ش ۶۵، ص ۳۸-۶۵.

بحرانی، یوسف، (بی تا)، الحدائق الناضرة، ج ۲۱، قم: جامعه مدرسین حوزه.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۴۲ ش)، الطبقات (رجال برقی)، مصطفوی حسن، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ ق)، المحاسن، محدث جلال الدین، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه.

ص: ۱۵۰

پاکتچی، احمد، (۱۳۸۳ ش)، «بزنطی»، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، چاپ اول، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.

تهانوی، محمدعلی، (۱۹۹۶)، موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، چاپ اول، بیروت: مکتبه لبنان الناشرین.

جهانگیری، محسن، (۱۳۸۵ ش)، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۰، غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۶۲ ش)، الایقاظ من ההجعة بالبرهان علی الرجعة، سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، تهران: نوید.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۲۵ ق)، اثبات الهداء بالنصوص و المعجزات، ج ۴، چاپ اول، بیروت: اعلمی.

حلی، حسن بن سلیمان، (۱۴۲۱ ق)، مختصرالبصائر، مشتاق مظفر، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ ق)، قرب الاسناد، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

خویی، سیدابوالقاسم، (۱۴۱۳ ق)، معجم رجال الحديث، ج ۲، چاپ پنجم، مرکز نشر الثقافة الاسلامیة.

رازی، فخرالدین، (۱۴۰۹)، الشجرة المباركة فی انساب الطالبيّة، سیدمهدی رجایی، چاپ اول، قم: سیدالشهداء.

راوندی، قطب الدین، (۱۴۰۹ ق)، الخرائج و الجرائح، ج ۲، چاپ اول، قم: مؤسسه الامام المهدی (عج).

رحیمی، جعفر، (۱۳۹۲ ش)، «تبیین استطاعت از منظر متکلمان امامیه تا قرن چهارم»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های اعتقادی کلامی، ش ۱۱، ص ۷۷-۱۰۴.

شریف، میرسید، (۱۴۱۲)، التعریفات، چاپ چهارم، تهران: ناصر خسرو.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۷۸ ق)، عیون اخبار الرضا (ع)، مهدی لاجوردی، ج ۱ و ۲، چاپ اول، تهران: نشر جهان.

ص: ۱۵۱

صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ ق)، بصائر الدرجات، محسن کوچه باغی، چاپ دوم، قم: کتابخانه مرعشی.

طالقانی، سیدحسن، (۱۳۹۱)، «مدرسه کلامی قم»، فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الاهیات (نقد و نظر)، ش ۶۵، ص ۶۶-۹۰.

طوسی محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الاحکام، ج ۵، حسن الموسوی خراسان، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیة.

طوسی محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، حسن مصطفوی، چاپ اول، مشهد: دانشگاه مشهد.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱ ق)، الغیبة، عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، چاپ اول، ق: جامعه مدرسین حوزه.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق)، الامالی، مؤسسه البعثة، چاپ اول، قم، دارالثقافة.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۷ ق)، العدة فی اصول الفقه، محمدرضا انصاری قمی، چاپ اول، قم.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۰ ق)، فهرست کتب الشيعة و اصولهم، عبدالعزيز طباطبایی، چاپ اول، قم: کتابخانه محقق طباطبایی.

طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، احمد قیصر عاملی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۷۳ ش)، رجال، جواد قیومی، چاپ سوم، قم: جامعه مدرسین حوزه.

قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ ق)، تفسیر القمی، طیب موسوی جزایری، چاپ سوم، قم: دارالکتب.

کریمی، مهدی، (۱۳۹۲)، شخصیت و اندیشه‌های کلامی هشام بن سالم جوالیقی، به راهنمایی محمدتقی سبحانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، علی اکبر غفاری و محمد

ص: ۱۵۲

آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

گرامی، سیدمحمدهادی، (۱۳۹۱ ش)، نخستین مناسبات فکری تشیع، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

گروهی از محققان، (۱۴۱۸)، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۳، جعفر سبحانی، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحارالانوار، ج ۲۳ و ۴۹، جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

مدیر شانه‌چی، کاظم، (۱۳۷۱ ش)، چهل حدیث حضرت رضا (ع)، چاپ دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

مرجانی، عبدالله بن عبدالملک، (۲۰۰۴ م)، بهجة النفوس و الاسرار فی تاریخ دار هجرة النبی المختار، ج ۱، فضل محمد عبدالوهاب، چاپ اول، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، نرم افزار درایه نور، نسخه ۲ / ۱.

مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.

منسوب به مسعودی، (۱۳۸۴ ش)، اثبات الوصیه، چاپ سوم، قم: انصاریان.

موسوی خلخالی، سیداحسان، (۱۳۹۲)، جریان شناسی کلامی امامیه در عصر امام صادق (ع)، به راهنمایی نعمت الله صفری فروشانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

نجاشی، (۱۳۶۵ ش)، رجال نجاشی، چاپ ششم، قم: جامعه مدرسین حوزه.

نوبختی، حسن بن موسی، (۱۴۰۴ ق)، فرق الشیعه، چاپ دوم، بیروت: دارالاضواء.

ورام بن ابی فراس، (۱۴۱۰ ق)، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، چاپ اول، قم: مکتبه فقیه. ۱۶۸

ص: ۱۵۳

^{۱۶۸} همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام (۱۳۹۵: قم)، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام، ۳جلد، مرکز مدیریت حوزه های علمیه - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۹۵ ه.ش.